

اخیرا احمد مسجدجامعی، مدیر محبوب و صاحب‌نام عرصه فرهنگ و هنر کشور و سیاست‌مدار کارکشته اصلاح‌طلب، کتابی خواندنی با نام جسم و جان شهر منتشر کرده است. کتاب در اصل مقالاتی را بازنشر می‌دهد که این عضو برجسته شورای تهران درباره شهر، شورا و مسائل و مشکلات آنها در نشریات مختلف نوشته و یا سخنرانی‌هایی که او به مناسبت‌های گوناگون دراین‌باره ایراد کرده است. انتشار این کتاب را باید از چند نظر پراهمیت دانست: اول آنکه یکی از مدیران بلندپایه و باسابقه عرصه‌های سیاست و فرهنگ کشور در جسم و جان شهر تجارب خود در شورای شهر (که بخشی تجربه گران‌بهای او در سمت‌های مختلف مدیریتی و اجرایی است) و مسائل مختلف شورا و نظام شورایی را به بحث گذاشته است. کمتر کسی از مدیران و صاحب‌منصبان ما به‌ویژه در دوره جدید و علی‌الخصوص پس از انقلاب، آن هم با وجود سنت کهن ادبیات نوشتاری در کشورمان، تجارب کاری و تأملات و تعمقات خود را راجع به آن را در معرض دید عموم قرار داده‌اند. کتاب مسجدجامعی این آرزو را به دل‌مان می‌اندازد که ای کاش دیگر صاحبان تجربه هم نگذارند آموخته‌هایشان در زیر آوار زمان دفن شود؛ چه طیب باشد و آشنا به بیماری‌های خاصی در گوشه‌ای از این سرزمین. با یک قاضی که جرم‌های رایج در شهر و استانی را خوب می‌شناسد، و الخ.

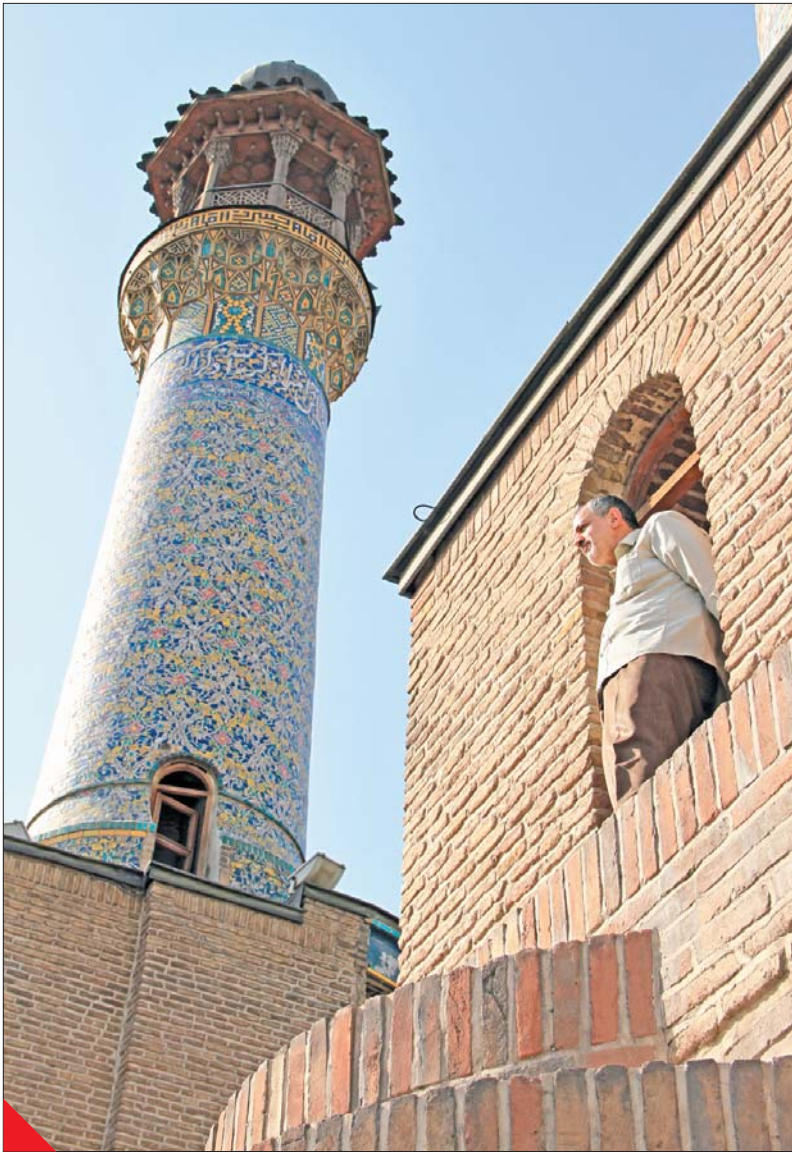
دوم آنکه این کتاب کمک می‌کند انتخابات شورای شهر که یکی از وجوه زندگی مدنی ماست، از زیر سایه انتخابات و منازعات انتخابات ریاست‌جمهوری، یعنی از غوغای سیاست بیرون بیاید. مقایسه میزان اشتغال مطبوعات و فضای مجازی به این دو اتفاق هم‌زمان نشان می‌دهد که ما چقدر از زندگانی مدنی و از شورای شهر غافلیم و سیاست چگونه بیش از اندازه گوشه و کنار زندگی‌مان را اشغال کرده است.

اکنون در این بلبشو، انتشار کتاب مسجدجامعی درباره شوراها و مسائل و حواشی آن ناگهان توجه ما را به بنیان و بنیاد مدنی زندگی‌مان جلب می‌کند، که بالاخره روزی باید از زیر بار سنگین سیاست بیرونش بیاوریم. راه‌حل آن هم کم و بیش همانی است که از این کتاب برمی‌آید: تمرکز بر اندیشه و فرهنگ به‌ویژه برای گسترش زندگی مدنی. اگر همانند مسجدجامعی از قبل انقلاب مرد مجله و نشر کتاب باشی و خود دست به قلم، وزیر فرهنگ و ارشاد و سیاست‌مدار طراز اول اصلاح‌طلب هم که بشوی، باز پای در زمین محکم اندیشه و فرهنگ داری و فقط سوار قطار خالی سیاست مشغول نزاع با رقبای نیستی. ای جسم و جان شهر همچنین به‌خوبی معلوم می‌کند که شخصیت اندیشمند و فرهنگی نگارنده آن بر وجهه سیاسی و اداری‌اش غلبه دارد.

اندیشه‌ورزی مسجدجامعی را در این نیز می‌توانیم ببینیم که شورانشینی او محدود به کار اجرایی و اداری نبوده است، بلکه پایش را به تهران‌شناسی و به دنبال آن به تامل درباره مسائل شهری نیز گشانده است. او مقالات خواندنی زیادی درباره تهران نوشته است (نگاه کنید به کتاب دروازه غار او) و مطبوعات گزارش‌هایی از تهران‌گردی‌های جمعه‌هایش را منتشر کرده‌اند. آدم اداری و سیاسی که برای چنین کارهایی وقت نمی‌گذارد. در تهران‌شناسی‌اش اما مسجدجامعی فقط متمرکز بر بناها نمی‌شود، بلکه لایه پنهان‌تری که فرهنگ باشد و روابط انسانی زیر پوسته مادی شهر را می‌جوید و نشان می‌دهد. خلاصه شخصیت فرهنگی او باعث شده است که شهر را فرهنگی ببیند.

اکنون برگردیم به خود کتاب، که نخست می‌کوشیم تصویری اجمالی از آن ارائه دهیم. کتاب شش فصل دارد: «فصل ۱: درباره شهر»، که بیشتر ملاحظات مسجدجامعی است درباره معنای شهر. «فصل ۲: شورا به مثابه جمهوری اسلامی»، مقالات این فصل بیشتر فعوای حقوقی و سیاسی دارد، و مثلا جایگاه شورا در قانون اساسی را محکم می‌بیند و نیز آن را در اندیشه بزرگانی چون بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، شادروان طالقانی و بهشتی بازمی‌جوید.

چهار فصل بعدی کتاب هم با این عناوین به شورایی‌ها و مسائل پیرامون آنها می‌پردازد: ۳: «شورا و شورایی‌اری: اهمیت و ضرورت»، ۴: «شورایی‌ری و زندگی محله‌ای»، ۵: «شورایی‌ری: راهی طولانی»، ۶: «درباره انتخابات شورایی‌ها»، همه این چهار فصل درحقیقت بسط و گسترش نظام شورایی را تا محلات و کوچه‌های شهر دنبال می‌کند. نکته دیگر ابتکار خوب مسجدجامعی است، که در آغاز هر فصل هم



عکس: سعید برآیلدی، شرق

یادداشتی درباره کتاب آقای مسجدجامعی

گسترش زندگی مدنی

سید مسعود زمانی*

مقدمه‌ای یکی‌دوصفحه‌ای درباره کلیت موضوعات آن و رشته‌ای که مضمون مقالاتش را به‌هم پیوند می‌دهد، نوشته است. ولی نگارنده این سطور گمان می‌کند مقالات کتاب را طر دیگری که احتمالا بهتر باشد، نیز می‌توان در زیر

چهار عنوان فصل‌بندی کرد: اول مقالاتی است که به «مبانی نظری شورا» می‌پردازند. فصل اول کتاب (یعنی ۷۲ صفحه آغازین) و نیز این مقالات را می‌توان در ضمن آن گنجانند: شورا و حکمرانی خوب سیاسی (ص ۷-۱۴۵)، «تمنای مدنیت و جایگاه شورا» (ص ۷-۲۲۴)، «ضرورت همکاری دولت‌های محلی و ملی» (ص ۲۴۳).

بخش اول را می‌توانیم ملاحظات نظری مسجدجامعی درباره شهر بدانیم. البته او شهرساز یا معمار به معنای دانشگاهی نیست، ولی مردی است که به ضرورت عمل و اجرا در این باره به تأمل و تعمق پرداخته که بالاخره شهر چه معنایی دارد و او آن را چگونه می‌فهمد. او در مقام نظر، به نظریه خاص خود نیز رسیده و برایش اصطلاح خاص «روح شهر» را هم وضع کرده است. روح شهر را باید در مقابل «جسم شهر» قرارداد، که در مقابل موضع مدیران و انبوه‌سازان و شهریارانی قرار می‌گیرد که وسعت دیدشان فراتر از وجه مادی شهر نمی‌رود؛ چه در معماری و بناهای شهر و چه در ساختار و شکل آن. (رک: ص ۲۱) البته از کسی که حداقل پنج سال وزیر فرهنگ بوده اصلا بعید نیست

مراسم رونمایی از کتاب

دکتر علی‌اکبر شهیدزاده

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان

فرهنگ‌پژوهان